

قطار سریع‌السیر هاگوارتز

آن‌گونه که از اسناد تاریخی قدیمی و به استناد سنگ‌نوشته‌ها و حکاکی‌های کهن روی چوب دریافته‌ایم، در قدیم دانش‌آموزان هاگوارتز برای رسیدن به مدرسه از هر وسیله‌ای که دوست داشتند استفاده می‌کردند. برخی با دسته جارو پرواز می‌کردند (در صورت همراه داشتن چمدان و حیوان دست‌آموز کار بزرگ و دشواری بود)؛ بعضی دیگر از گاری‌های جادویی و بعدها از کالسکه‌های جادویی کمک می‌گرفتند؛ برخی جسم‌یابی را امتحان می‌کردند (که چون قلعه و محوطه‌ی آن همیشه با جادوهای ضد جسم‌یابی محافظت شده‌اند، غالباً نتایج فاجعه‌آمیزی در پی داشت)، بقیه نیز سوار بر گونه‌های مختلف موجودات جادویی می‌آمدند.

در پی سوانح مربوط به این روش‌های جابجایی متفاوت، از جمله این‌که مشنگ‌ها سالانه شاهد پرواز جادوگران زیادی به‌سوی شمال بودند، وظیفه‌ی والدین بود که فرزندانشان را تا مدرسه همراهی کنند، تا این‌که «قانون بین‌المللی رازداری» در سال ۱۶۹۲ وضع شد. در این زمان، پیدا کردن روشی محتاطانه‌تر برای حمل‌ونقل صدها دانش‌آموز جادوگر از سراسر بریتانیا به مدرسه‌ی مخفی‌شان در ارتفاعات اسکاتلند، ضروری می‌نمود.

بنابراین در نقاط معینی از سراسر بریتانیا رمزتازهایی قرار داده شد. از همان ابتدا سازمان‌دهی مشکلاتی پدید آورد. سالانه حدود یک سوم دانش‌آموزان موفق نمی‌شدند به مدرسه برسند، در بازه‌ی زمانی مقرر به محل نمی‌رسیدند یا موفق نمی‌شدند شیء پیش‌پاافتاده‌ای که آنها را به مدرسه منتقل می‌کرد پیدا کنند. همچنین مشکل دیگر این بود که برخی از دانش‌آموزان «رمزتاز زده» بودند (و هستند)، و درمانگاه مدرسه در چند روز اول هر سال اغلب پر از دانش‌آموزانی بود که دچار هیستری یا حالت تهوع شده بودند.

وزارت سحر و جادو با اینکه پذیرفته بود رمزتاها راه‌حل ایده‌آلی برای مشکل حمل‌ونقل به مدرسه نبودند، موفق نشد جایگزین قابل قبولی برای آن بیابد. بازگشت به روش حمل‌ونقل نامنظم قبلی غیرممکن بود، کما این‌که مدیران متوالی هاگوارتز نیز با روش‌های امن‌تر برای ورود به مدرسه (برای مثال، اجازه‌ی رسمی ظاهر شدن از طریق پودر پرواز در یکی از شومینه‌ها) شدیداً مخالفت می‌کردند، زیرا نمی‌خواستند امنیت قلعه خدشه‌دار شود.

سرانجام راه‌حلی شجاعانه و جنجالی برای این مشکل حاد از سوی «اوتالاین گمبول»^۱، وزیر سحر و جادو، پیشنهاد شد که مجذوب اختراعات مشنگ‌ها بود، و قطارها را مناسب این کار دید. این‌که قطار سریع‌السیر هاگوارتز دقیقاً از کجا آمد هنوز به‌طور قطع ثابت نشده است، اما چیزی که مسلم است این است که اسناد محرمانه‌ای در وزارت سحر و جادو وجود دارد مبنی بر این‌که عملیاتی جمعی شامل ۱۶۷ افسون فراموشی و اجرای بزرگ‌ترین افسون اختفاء گروهی در تاریخ بریتانیا، انجام گرفته است. صبح روز بعد از این جرائم اثبات‌نشده، یک ماشین بخار قرمز براق و واگن‌های آن ساکنان دهکده‌ی هاگزمید را مات و متحیر کرد (که متوجه نشده بودند یک ایستگاه راه‌آهن نیز دارند)، درحالی‌که چندین مشنگ سردرگم که کارکنان راه‌آهن^۲ بودند بقیه‌ی سال با این حس ناخوشایند کلنچار می‌رفتند که چیز مهمی را گم کرده‌اند.

قطار سریع‌السیر هاگوارتز پیش از تأیید وزارتخانه برای استفاده‌ی مدرسه، دست‌خوش چند تغییر جادویی شد. بسیاری از خانواده‌های اصیل‌زاده از این‌که فرزندانشان از وسیله‌ی حمل‌ونقل مشنگ‌ها استفاده کنند برآشفته و مدعی شدند این روش خطرناک، غیرپهдаشتی و خفت‌آمیز است؛ بااین‌حال، ازآنجا‌که وزارتخانه مقرر کرد دانش‌آموزان یا با قطار به مدرسه بیایند یا اصلاً نیایند، اعتراضات به‌سرعت فرونشست.

ارائه‌ای از وب‌سایت دمنتور

www.dementor.ir

حسین غریبی

^۱ Ottaline Gambol

^۲ کرو: شهری در انگلستان که به خاطر ایستگاه راه‌آهنش مشهور است. م.